

بسم الله الرحمن الرحيم

تبنی در حزب و احکام مربوط به زن

(ترجمه)

پرسش:

السلام علیکم ورحمت اللہ وبرکاتہ!

جناب امیر صاحب! هر مسلمانی می‌خواهد که از جمله‌ای مخلصین به الله سبحانه و تعالی بوده و از او سبحانه و تعالی به جهت کسب رضایت‌اش پیروی نماید؛ اما سوالی که وجود دارد این است، آیا پیروی از حزب در تمام امور و در تمام اجتهاداتی که شما به آن دست یافته‌اید، واجب است. تبنیات و اجتهاداتی که از قبل در موردشان اختلاف صورت گرفته است؛ به گونه‌ی مثال: عورت زن با محارم و زنان مسلمان، مسأله‌ای است که بعضی از علماء گفته‌اند که از ناف تا زانو است. هم‌چنان قرائت قرآن کریم توسط زنی که در میعاد حیض خود است، اختلافی است. زنانی که بعضی اوقات دوران حائضه‌گی‌شان طولانی‌تر می‌شود، حکم قرائت قرآن کریم در موردشان چه گونه است؟ امیدوارم که این مسأله را توضیح نمائید؛ چون: سوء تفاهم و روشن نبودن قضیه می‌تواند بسیاری از سخنان بی‌مورد و بی‌فائده را در بین ما به وجود آورد که باعث ضیاع وقت گردد. از بابت طولانی شدن سوال ام معذرت می‌خواهم از الله سبحانه و تعالی می‌خواهم که قلب شما را با نور حق روشن داشته باشد.

پاسخ:

وعلیکم السلام ورحمت اللہ وبرکاتہ!

1- مسأله‌ای تبنی/گزینش حزب، از همان ابتداء تشکیل حزب مانند روشنی آفتاب روشن بوده و به یاری الله سبحانه و تعالی هیچ پوشیده‌گی در این مسأله وجود ندارد. کسی که تصمیم گرفته که با حزب کار نماید؛ زمانی که سوگند یاد می‌کند و عضو حزب می‌شود در سوگند خود می‌گوید که آراء، افکار و قانون حزب‌التحریر را قولاً و عملاً می‌پذیرد و به اقتضای این سوگند، خود را متعهد و پای‌بندی به تبنیات حزب می‌سازد؛ یعنی تعهد می‌نماید که تمام آراء و نظریات مخالف حزب را ترک نموده، قولاً و عملاً خود را پای‌بند و متعهد و عامل به نظریات حزب می‌دارد، فرق نمی‌کند که این تبنیات در مسائل فکری باشد و یا در مسائل سیاسی، فقهی و اداری. بنابراین، لازم نیست که عضو حزب هر نظری را که حزب در هر مسأله‌ای صادر می‌نماید بر آن متعهد و خود را پای‌بند سازد؛ بلکه بر عضو حزب لازم است تا بین مسأله‌ای که از لحاظ شرعی و از لحاظ اداری بر آن لازم است و هم‌چنان بین آنچه که از لحاظ شرعی بر آن لازم نبوده؛ ولی از لحاظ اداری لازم است تفکیک نموده و بر آن پای‌بند باشد؛ پس بر عضو حزب لازم است تا برای خودش معلوم نماید که آیا رأی و نظر صادر شده از سوی حزب تبنی گردیده یا خیر؟ اگر نظر، تبنی شده بود، بر عضو حزب لازم است که من حیث تبنی بر این نظر عمل نماید؛ زیرا این مسأله ضمن این که نظر حزبی محسوب می‌شود از لحاظ شرعی و

اداری نیز باید به آن پای‌بندی صورت گیرد؛ اما در صورتی که نظر از سوی حزب تبنی نشده باشد بر عضو حزب لازم نیست که از آن نظر پیروی نماید، برای وضاحت مسأله، مثالی را که در سوال ذکر شده بود، این جا یادآوری می‌نمایم:

طوری که در کتاب نظام اجتماعی مسأله‌ای عورت زن در پیش روی محارم و در پیش روی زنان مسلمان ذکر شده است چنین است: «دیدن مرد به محارم اش، اعم از این که محارم مسلمان باشند و یا غیر مسلمان غیر از روی، مثل دست‌ها، اعضای که محل زینت‌اند؛ بدون این که به اعضای مشخصی محدود گردد جائز است، به دلیل نصی که در این مورد به صورت مطلق ذکر شده است:

﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ﴾ [نور: 31]

ترجمه: و زینت خویش را (هم‌چون: سر، سینه، بازو، ساق، گردن، خلخال، گردن‌بند، بازوبند) نمایان نسازند؛ مگر آن مقدار (از جمال خلقت؛ هم‌چون چهره و پنجه‌ی دست‌ها) و آن چیزها (از زینت آلات؛ هم‌چون: لباس، انگشتری، سرمه و خضاب) که (طبیعتاً) پیدا می‌گردد. چارقد و روسری‌های خود را بر یقه‌ها و گریبان‌های‌شان آویزان کنند (تا گردن، سینه و اندام‌هایی که احتمالاً از لابلای چاک پیراهن نمایان می‌شود، در معرض دید مردم قرار نگیرد) و زینت (اندام یا ابزار) خود را نمودار نسازند؛ مگر برای شوهران‌شان، پدران‌شان، پدران شوهران‌شان، پسران‌شان، پسران شوهران‌شان، برادران‌شان، پسران برادران‌شان، پسران خواهران‌شان، زنان (هم‌کیش) خودشان، کنیزان‌شان، دنباله‌روانی که نیاز جنسی در آنان نیست (از قبیل: افراد مخنث، ابلهان، پیران فرتوت، اشخاص فلج) و کودکانی که هنوز بر عورت زنان آگاهی پیدا نکرده‌اند (چیزی از امور جنسی نمی‌دانند). پاهای خود را (به هنگام راه رفتن به زمین) نزنند، تا زینتی که پنهانش می‌دارند (جلب توجه کند و صدای خلخال پاهای‌شان به گوش مردم برسد و) دانسته شود. ای مؤمنان! همه‌گی به سوی الله سبحانه و تعالی برگردید (و از مخالفت‌هایی که در برابر فرمان الله سبحانه و تعالی داشته‌اید توبه کنید) تا رستگار شوید.

مردهای که در این آیه مبارکه ذکر شده‌اند برای‌شان جائز است که به موی، گردن، محل زیورات، خلخال، گردن‌بند و دیگر اعضای که محل زینت زنان محارم‌شان‌اند ببینند؛ زیرا فرموده الله سبحانه و تعالی ﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ﴾؛ «زینت‌شان را آشکار نسازند» هدف محل زینت است؛ یعنی زنان از نشان دادن محل زینت‌شان منع شدند؛ مگر برای مردانی که در این آیه مبارکه ذکر شده‌اند؛ بناءً برای این مردان جائز است که محل زینت زنان محرم خود را ببینند.

شافعی در مسند خود از زینب بنت ابی سلمه روایت نموده است که: «زینب از اسماء زن زبیر شیرخورده است، زینب گفت من زبیر را مانند پدرم فکر می‌کردم، او زمانی به خانه داخل می‌شد من سر خود را شانه می‌کردم و زبیر بعضی از موی‌هایم را می‌گرفت و می‌گفت، روی خود را طرف من کن!»

همچنان روایت شده است، وقتی که ابوسفیان به خاطر تجدید پیمان حدیبیه به خانه‌ای دخترش ام حبیبه همسر رسول الله صلی الله علیه وسلم داخل شد، ام حبیبه فرش رسول الله صلی الله علیه وسلم را جمع کرد تا پدرش بر فرش رسول الله صلی الله علیه و سلم بنشیند، در این وقت ام حبیبه از پدرش حجاب نگرفت و این مسأله را به رسول الله صلی الله علیه وسلم بیان کرد، رسول الله صلی الله علیه وسلم در برابر این عمل کرد ام حبیبه سکوت نموده و آن را امر به حجاب بر پدرش نکرد؛ باوجودی که ابوسفیان در آن زمان مشرک بود؛ ولی از جمله محارم ام حبیبه بود.» ختم آن چه که در کتاب نظام اجتماعی ذکر شده است.

ما این مسأله را در پاسخ به پرسشی که در 13 رجب 1434 هـ 23 می 2013 م که در مورد عورت زن نسبت به زن مطرح شده بود، ارایه کرده بودیم و در آن پاسخ گفته بودیم: «در مورد عورت زن نسبت به زنان دیگر، نظریات فقهاء به دو بخش تقسیم می‌شود که هرکدام‌شان از خود دلیل دارند:

نظر اول: این است که عورت زن بر زن؛ مانند: عورت مرد در برابر مرد؛ یعنی از ناف تا زانو است.

نظر دوم: این است که تمام وجود زن نسبت به زنان دیگر عورت است، به استثناء مواضعی که عادتاً زنان آن مواضع را زینت می‌پوشند؛ مانند: سر، روی، گردن، سینه، گوش، بازو، بند دست، کف دست، ساق پا و پا می‌باشند که محل تاج، سرمه، سینه‌بند، گوشواره، بند دستی، انگشتر، خلخال و محل حنااند. این مواضع از جمله‌ای عورت به حساب نمی‌آیند و غیر از این مواضع، دیگر اعضای زن که عادتاً برای زینت به کار نمی‌رود، در برابر دیگر زنان عورت می‌باشد؛ یعنی تنها عورت زن در بین ناف و زانو خلاصه نمی‌شود. دلیل قول الله سبحانه و تعالی است که فرموده است:

﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاؤِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ﴾ [نور: 31]

ترجمه: و زینت خویش را (هم‌چون: سر، سینه، بازو، ساق، گردن، خلخال، گردن‌بند، بازویند) نمایان ن سازند؛ مگر آن مقدار (از جمال خلقت؛ هم‌چون چهره و پنجه‌ی دست‌ها) و آن چیزها (از زینت آلات؛ هم‌چون: لباس، انگشتری، سرمه و خضاب) که (طبیعتاً) پیدا می‌گردد. چارقند و روسری‌های خود را بر یقه‌ها و گریبان‌های‌شان آویزان کنند (تا گردن، سینه و اندام‌هایی که احتمالاً از لابلای چاک پیراهن نمایان می‌شود، در معرض دید مردم قرار نگیرد) و زینت (اندام یا ابزار) خود را نمودار ن سازند؛ مگر برای شوهران‌شان، پدران‌شان، پسران‌شان، پسران شوهران‌شان، برادران‌شان، پسران برادران‌شان، پسران خواهران‌شان، زنان (هم‌کیش) خودشان، کنیزان‌شان، دنباله‌روانی که نیاز جنسی در آنان نیست (از قبیل: افراد مخنث، ابلهان، پیران فرتوت، اشخاص فلج) و کودکانی که هنوز بر عورت زنان آگاهی پیدا نکرده‌اند (چیزی از امور جنسی نمی‌دانند). پاهای خود را (به هنگام راه رفتن به زمین) نزنند، تا زینتی که پنهانش می‌دارند (جلب توجه کند و صدای خلخال پاهای‌شان به گوش مردم برسد) دانسته شود. ای مؤمنان! همه‌گی به سوی الله سبحانه و تعالی برگردید (و از مخالفت‌هایی که در برابر فرمان الله سبحانه و تعالی داشته‌اید توبه کنید) تا رستگار شوید.

پس تمام این مردها می‌تواند به موی، گردن، محل دست‌بند، خلخال و محل گردن‌بند و دیگر اعضای که محل زینت است نگاه کنند؛ زیرا الله سبحانه و تعالی فرموده است «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ»؛ یعنی «محل زینت‌شان را آشکار نسازند».

در آیه مبارکه زنان نیز شامل است؛ بناءً نظر کردن زن به مواضع زینت دیگر زنان جایز است و دیدن زن غیر از مواضع زینت برای دیگر زنان جایز نبوده، عورت می‌باشد.

قول دوم در نزد ما هم راجح و پذیرفته شده است؛ ولی بعضی‌ها به این نظر اند که عورت زن در برابر زن؛ مانند: عورت مرد در برابر مرد؛ یعنی بین ناف و زانو است. «ختم آن‌چه که در پاسخ به پرسش سوال آمده بود.

آن‌چه که در کتاب نظام اجتماعی ذکر شده از جمله‌ای تبنیات/گزینش‌های حزب است؛ چون: کتاب نظام اجتماعی یکی از کتاب‌های تبنی/گزینش شده حزب است که برای هر عضو حزب این مسأله واضح می‌باشد و هم‌چنان چیزی که در جواب سوال ذکر شده نیز تشریح و توضیح تبنی است؛ بناءً این مسأله نیز تبنی می‌باشد و برای هر عضو حزب لازم است که این نظر را به عنوان تبنی حزب عملی نموده، نظری را که خلاف این نظر است ترک نماید.

مسأله‌ای قرائت قرآن کریم توسط زنان حائضه و پاسخ به این سوال در بخش پاسخ به پرسشی که در صفحات اینترنتی نشر شده و به تاریخ 1 ربیع الثانی 1436 هـ 21 جنوری 2015م جواب داده شده بود، به گونه ذیل واضح گردیده است: «در مورد قرائت قرآن کریم توسط زنان حائضه در ایام حیض‌شان در بین فقهاء اختلاف وجود دارد، بسیاری از فقهاء به این نظر اند که قرائت قرآن کریم در مدت حیض حرام است و تعدادی هم هستند که این عمل را جایز دانسته‌اند؛ ولی با رعایت بعضی مسائل و شرائط.

ولی من عدم جواز قرائت قرآن کریم را توسط زنان حائضه ترجیح می‌دهم، به دلیل این فرموده رسول الله صلی الله علیه وسلم:

«لَا تَقْرَأُ الْحَائِضُ وَلَا الْجُنْبُ شَيْئًا مِنَ الْقُرْآنِ» (رواه الترمذی)

ترجمه: یعنی زن حائض و شخص جنب هیچ چیزی را از قرآن تلاوت نکند.

هرچند بعضی نظریاتی در مورد این حدیث وجود دارد؛ مگر بیش تر فقهاء این حدیث را ملاک عمل قرار داده‌اند؛ با وجود آن، حدیثی صحیح دیگری در مورد حرمت قرائت قرآن کریم توسط شخص جنب روایت شده است و واضح است که مسأله‌ای حیض؛ مانند: مسأله‌ای جنب است.

ابوداود و نسائی و در یک روایتی ابن ماجه؛ مانند: همین روایت را از علی رضی الله عنه روایت نموده است:

«كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَخْرُجُ مِنَ الْخَلَاءِ فَيَقْرَأُ الْقُرْآنَ وَيَأْكُلُ مَعَنَا اللَّحْمَ، وَلَمْ يَحْجِبْهُ - أَوْ يَحْجِزْهُ - عَنِ الْقُرْآنِ شَيْءٍ لَيْسَ الْجَنَابَةُ»

ترجمه: رسول الله صلى الله عليه و سلم هر باری از بیت الخلاء (تشناب) بیرون می شدند برای ما قرآن می خواندند و با ما گوشت می خوردند و هیچ چیزی رسول الله صلى الله عليه وسلم را جز جنابت از قرآن خواندن منع نمی ساخت.

بناءً، واضح است که جنابت قرائت قرآن را منع نموده و تلاوت قرآن را برای شخص جنب حرام می نماید که زن حائضه هم؛ مانند: جنب است؛ پس قرائت قرآن کریم نیز برای زن حائضه حرام است.

پاسخ به سوالاتی که حزب صادر می نماید؛ غیر از سه حالت تبنی نمی باشد. 1- وقتی که به نام حزب به صورت رسمی صادر می شود. 2- وقتی که توضیح و تشریح یکی از تبنیات حزب باشد. 3- وقتی که حزب آن را به مناطق مختلفی بفرستد تا بر شباب حزب توزیع شده و برسد؛ چنانچه در موضوع اداری نیز ذکر شده است.

و این مسأله واضح است که پاسخ به سوال در مورد مسأله ای زن حائضه که در مورد قرائت قرآن کریم صادر نمودیم، تحت هیچ یکی از این حالات نمی آید؛ بناءً این جواب از جمله ای تبنیات نبوده و بر هیچ عضو حزب لازم نیست که شرعاً و ادارتاً به آن عمل کند و بر عضو حزب لازم است که به همان موقفی که برایش آسان و آن را قناعت می دهد عمل کند.

بناءً مسأله آسان و واضح است. چیزی که لازم است این است که عضو حزب باید بداند که کدام نظر حزب تبنی است و کدام نظر حزب غیر تبنی؟ اگر نظر حزب تبنی بود، لازم است که عضو حزب از دیگر نظریات گذشته تنها بر تبنی حزب عمل نماید؛ اگر نظر حزب غیر تبنی بود بر عضو حزب لازم نیست که به نظر حزب عمل کند. مسائل تبنی شده معلوم، واضح و برای هر عضو حزب مشخص است. چیزی که به جواب این سوال مربوط می شود این است که این جواب تبنی حزب نبوده و هر جواب حزب تبنی حزب محسوب نمی شود؛ مگر این که تحت یکی از حالت های سه گانه فوق الذکر داخل شود.

با وجودی که هر نظر حزب تبنی نبوده؛ ولی اگر عضو حزب به آن عمل کند بهتر است؛ زیرا تمامی نظریات حزب به اساس تحقیق و تلاشی صورت گرفته که بر مبنای دلائل قوی صادر یافته است.

امیدوارم مسأله واضح شده باشد و آن بگو مگوها و سخنانی را که در سوال خود گفتید که باعث ضیاع وقت می گردد، مرفوع گردیده باشد.

برادران عطاء بن خلیل ابوالرشته

18 ذوالقعدة 1440هـ.ق

21 جولای 2019م

مترجم: مصطفی اسلام